

اسلام و «سرگرمی»

مروری بر حدود و ویژگی‌های سرگرمی حلال

معنای فرح و لهو

آنچه ما در زبان فارسی از آن به نام «تفریح» یاد می‌کنیم، اگر چه از ریشهٔ عربی «فرح» به معنای خوشحالی است، اما در متون اسلامی برای نشان دادن این معنا، معمولاً از کلمات دیگری، چون «تنزه»، «تفرج» و یا «لهو» استفاده می‌شود و افراد خوش گذران، با عنوان «فرحین» شناخته می‌شوند.

خداوند با آن که در بخشی از قرآن اعلام می‌دارد که «فرحین» و یا خوش گذرانان را دوست ندارد [۱] و یا این که یکی از دلایل مجازات دوزخیان را خوش گذرانی‌های ناحق آنان در دنیا می‌داند، [۲] اما از طرف دیگر، با استفاده از همان ریشهٔ لغوی «فرح»، به افراد با ایمان دستور می‌دهد که به دلیل امدادهای معنوی خداوند، خوشحال باشند [۳] و در وصف شهیدان نیز بیان می‌دارد که آنان با استفاده از نعمت‌هایی که در اختیارشان قرار داده شد به خوش گذرانی مشغول اند. [۴]

دانشمندان لغت، معانی بسیاری را برای «لهو» در کتاب‌های خود گنجانده اند. [۵]

در یک نگاه بسیار وسیع، می‌توان گفت که اگر نعمت‌های آخرت و دوام آن را به یاد آوریم، تمام امور مرتبط با زندگی دنیا، چه حرام و چه حلال، جز بازی و بازیچه‌ای نخواهد بود. آیات بسیاری از قرآن، چنین مفهوم وسیعی را ارائه کرده و دنیا و هر آنچه در آن است را «لهو» و «لعب» معرفی می‌کنند. [۶]

در مقابل، و در نگاهی محدودتر، گاهی «لهو»، تنها به سرگرمی‌های معمولی گفته می‌شود که انسان را از یاد خدا باز می‌دارد. [۷] و ...

به هر حال الفاظ تقریباً مترادفی؛ نظیر «لهو»، «لعب»، «لغو»، «تفریح»، «سرگرمی» و دارای مصادیق مختلفی بوده و علاوه بر آن یک فرد می‌تواند با انگیزه‌های متفاوت، به آنها بپردازد. بر این اساس از دیدگاه اسلام باید انواع و اشکال مختلف تفریحات و سرگرمی‌ها مورد تحلیل قرار گیرد:

تفریحات حرام

سرگرمی و تفریح با اموری که از طرف دین مقدس اسلام ممنوع شمرده شده است: این تفریحات؛ نظیر مصرف

مشروبات الکلی و یا مواد مخدر و روانگردان، قمار، موسیقی مطرب و ... با هر انگیزه‌ای که باشد، مجاز نبوده و در این موارد، هیچ گاه هدف، وسیله را توجیه نخواهد کرد. به عنوان نمونه، نمی‌توان کنسرت مختلطی را بدون رعایت شئون مذهبی ترتیب داده و هدف آن را صرف در آمد فروش بیلبورد برای کمک به افراد بی بضاعت، آزادی زندانیان و ... عنوان کرد.

در این گونه موارد، مقدس بودن هدف، نمی‌تواند توجیهی برای سرگرمی‌های حرام باشد. در قرآن کریم، دوری از چنین اموری، از ویژگی‌های افراد با ایمان شمرده شده است. [۸]

انسان‌ها برای ادامهٔ زندگی و داشتن روحیه‌ای قوی، خواستار تنوع و تفریح هستند و یک نواخت شدن زندگی، در ادامهٔ فعالیت‌های معمول مادی و حتی در زندگی معنوی آنان، خلل و آسیب وارد خواهد کرد. با این وجود، آیا اسلام مخالف هر گونه تفریح بوده و با آن به مبارزه برمی‌خیزد؟

تفریح سالم و مورد تایید اسلام

تحقیق در منابع اسلامی، ما را به این نتیجه می‌رساند که اگر تفریح و سرگرمی در حدی باشد که موجب غفلت انسان از خداوند و دوری از هدف اصلی زندگی نشده و نیز رفتارهای حرامی در جریان این سرگرمی‌ها وارد نشود، نه تنها معنی از آن وجود ندارد، بلکه آنچه از قرآن و روایات برداشت می‌شود، این است که چنین تفریحاتی کاملاً مورد تأیید بوده و نقش آن در ادامهٔ یک زندگی سالم انکار ناپذیر است.

اکنون شواهدی را در این ارتباط ارائه می‌کنیم:

اصل تفریح امری ناپسند نیست

با این که از واژه «لعب» در بسیاری از موارد به زشتی یاد شده، [۹] اما هنگامی که فرزندان یعقوب (ع) به پدرشان پیشنهاد دادند که یوسف (ع) را برای تفریح و بازی همراه آنها بفرستد، [۱۰] با این پاسخ روبرو نشدند که تفریح، شایستهٔ افراد با ایمان نیست، بلکه تنها نگرانی خود را از احتمال آسیب رسیدن به یوسف ابراز داشتند [۱۱] و حتی وقتی که برادران برگشته و عرضه داشتند که

ما برای مسابقه رفتیم و او را نزد اثاث و وسائل خود گذاشتیم و ... [۱۲] یعقوب (ع)، آنان را توبیخ نکرد که؛ چرا مسابقه گذاشتید و به تفریح مشغول شدید و ...

از مجموع این داستان می‌توان نتیجه گرفت که اصل تفریح و مسابقه و ...، موضوعی ناپسند محسوب نمی‌شد.

تاکید بر تفریحات سالم توسط امام صادق (ع)

امام صادق (ع) به نقل از کتاب پیامبران گذشته بیان می‌فرماید: هر مسلمان دانا، باید فرصت‌های زندگی خود را بر سه بخش تقسیم کند، بدین ترتیب که بخشی از آن را جهت کسب درآمد و گذران زندگی صرف کرده و بخش دیگری را به جمع‌آوری توشه و زاد برای آخرت بپردازد. بخش سوم زندگی او نیز باید به تفریحات سالمی که از رفتار حرام در آن خبری نیست، سپری شود و پرداختن به این بخش سوم (تفریحات)، کمکی برای این فرد مؤمن خواهد بود که آن دو بخش اول را با کیفیتی بهتر انجام دهد. [۱۳] این حدیث، به تنهایی می‌تواند نشانگر مجاز بودن و حتی استحباب تفریحات سالم باشد.

تفریحات هدفمند فراتر از سرگرمی صرف

در برخی روایات، پا از این فراتر گذاشته شده و نوع سرگرمی‌ها را با توجه به ویژگی‌های افراد مشخص نموده و به عنوان نمونه، بیان داشته که پارچه بافی، سرگرمی خوبی برای یک زن نیکوکار است. [۱۴] و یا در حدیثی دیگر، نگهداری و تربیت اسبان سواری و نیز مسابقات تیراندازی از سرگرمی‌های مناسب اعلام شده است. [۱۵]

برداشت ما از این دسته روایات، این است که بهتر است حتی در تفریحات، به اموری پرداخت که فایده‌ای جز سرگرمی نیز داشته باشد، نه این که لزوماً در جهان معاصر و با پیشرفت علم و صنعت و وجود کارخانه‌های نساجی و خودروسازی، باز هم خود را به موارد اشاره شده در روایات، محدود کرد.

گذشته از لهو و تفریح حرام که مطلقاً ممنوع بوده و غیر از تفریحات هدفمندی که مجاز، بلکه مستحب است، آیا در

تفریح و سرگرمی، حتی نوع مباح آن، محدودیتی وجود دارد؟ ما در اطراف خود با اشخاصی برخورد می‌کنیم که تمام و یا بیشتر زندگیشان را بیهوده می‌گذرانند. و گذراندن عمر به لهو و تفریح و خوش گذرانی، به صورتیکه ویژگی اخلاقی برای آنان در آمده است.

تفریح برای این گونه افراد، وسیله برای رسیدن به یک هدف بالاتر نیست، بلکه خود سرگرمی به عنوان هدف نهایی به شمار می‌آید. چنین افرادی، مفهوم زندگی را در خوش گذرانی و تفریح دانسته و بالاتر از آن به چیز دیگری نمی‌اندیشند. آنها حتی دین و دینداری را چون بازیچه‌ای می‌پندارند که نوعی سرگرمی را برای آنان فراهم می‌کند. [۱۶]

این افراد خوش گذران، وضعیتی متعادل نداشته و هرگاه به خواسته‌های خود رسیده و از نعمت‌های مادی خدا بهره مند شدند، به خوش گذرانی و بطالت پرداخته و اگر با مشکلی در زندگی خود مواجه شوند، افسرده و ناامید می‌شوند. [۱۷]

تفریح و یک پریشی اساسی

آیا اسلام که دینی هدفمند بوده و ارزش واقعی یک انسان را در رشد معنوی او می‌داند، می‌تواند چنین رفتاری را تأیید کند؟!

تفریح سالم نیز زمانی مناسب است که تنها یک بخش از زندگی انسان را تشکیل داده و کمکی برای پیشبرد اهداف مادی و معنوی انسان باشد، اما نباید این سرگرمی‌ها به حدی گسترش یابد که تمام عمر انسان را تحت پوشش خود قرار دهد.

امام علی (ع) در این زمینه می‌فرماید: تمام عمر خود را با بطالت و تفریح سپری نکن که نتیجه اش آن است که برای جهان آخرت هیچ توشه‌ای نیندوخته باشی. [۱۸] و نیز می‌فرماید: لهو و خوش گذرانی، انسان را از امور جدی باز می‌دارد. [۱۹]

اگر گاهی مشاهده می‌کنیم که بزرگان دینی ما، مردم را از پرداختن به لهویات باز می‌دارند و به عنوان نمونه، بیان می‌دارند که «اسلام شوخی ندارد؛ همه‌اش جدی است، هزل ندارد؛